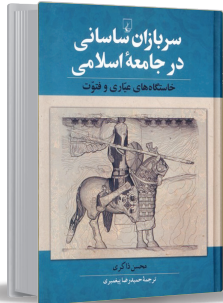




حیاتی ترین برهه تاریخ ایران؛ یعنی انتقال از ایران ساسانی به ایران اسلامی. این مختصر جای توضیح بیشتر از این نیست. شما را نمی دانم، اما خودم بی صبرانه منتظرم که فرصتی دست دهد و پژوهش سترگ محسن ذاکری فقید را بخوانم. یادش گرامی.

معرفی کتاب



سربازان ساسانی در جامعه اسلامی

نویسنده: محسن ذاکری
مترجم: حمیدرضا پیغمبری
انتشارات: نشر ققنوس

پوست اندازی مردم کوچ و خیابان

امیلی امرایی / روزنامه نگار و مترجم



«انقلاب رازیستن» تصویری است تازه از معنای انقلاب، چشم اندازی جدید، روایتی آن سوتور از سیاست های کلان. کتاب بیات یک بررسی جامعه شناسختی از تجربه مردم عادی در جریان تحولات بهار عربی است. بیات به جای تمرکز صرف بر اعتراضات و سیاست های کلان، به چگونگی شکل گیری لحظه های بروز انقلاب در زندگی روزمره می پردازد. به باور بیات، انقلاب ها فرایندهایی هستند که در زندگی روزمره ریشه دارند و تحت تأثیر مبارزات اجتماعی، نوسان های روزمره و تغییرات فرهنگی شکل می گیرند. کتاب او نظریه های سنتی انقلاب را به چالش می کشد و بر نقش کنشگران غیرنخبه، شبکه های غیررسمی، فرهنگ های جوانان و تأثیرات دینی در شکل دهی به پویایی های انقلابی تأکید می کند. با این تفاسیر، شاید بهار عربی از منظر اثرگذاری سیاسی بی ثمر به نظر برسد، اما بیات به خواننده اش نشان می دهد اگر چه بهار عربی از پس برانداختن ساختارهای سیاسی حاکم برنیامد، اما در کارخانه ها، بازارها، مدارس و البته در قلمرو خانواده، جنبشی تحول آفرین بوده است. بیات همه این ها را با کنار هم گذاشتن پژوهش های میدانی و ایده های جامعه شناسی به خواننده نشان می دهد؛ اینکه مردم مصر و تونس پس از بهار عربی خود در زندگی روزمره پوست اندازی کردند، هر چند سبب حاکمان و استبداد پرورتر بود این بهار اما برای بطن جامعه و آنچه در کوچ و خیابان جاری است تحولات مثبتی به ارمغان آورد و این یعنی زیست انقلابی و انقلاب رازیستن. زنان، جوانان، تپه ای دستان و گروه های اجتماعی در حاشیه با حرکت در جهت برابری و آزادی به بهار عربی اعتبار بخشیدند. به تعبیر بیات بهار عربی الگویی است از یک جنبش «اصلاحی-انقلابی»، یعنی انقلابی که به جای تغییر بنیادی منجر به اصلاحات می شود.

معرفی کتاب



انقلاب رازیستن

نویسنده: آصف بیات
مترجم: شیرین کریمی
انتشارات: نشر بیدگل

یافتن تسلاد در میانه رنج هستی

زینب کاظم خواه / مترجم روزنامه نگار



تا وقتی دچار رنج نشده باشید مفهوم تسلاتنها واژه ای است در میان فرهنگ لغاتتان، اما کافی است که در دنیایی که پر از جنگ و بحران است به درد و سوگی دچار شوی، آن وقت تسلات برایت مفهوم می یابد؛ آن ملجایی که هنگام رنج به آن آویزیم، کتاب در خور تأمل «در باب تسلات: رسیدن به آرامش به وقت تیره روزی» نوشته ایگناتیف بود. واقعیت این است که در گذشته بشر برای تسلائی روح و جاننش به مذهب جنگ می زد اما امروز اعتقادات مذهبی کم رنگ شده، و روز به روز این ایده که ما زندگی مان را جزویک طرح بزرگ کیهانی بدانیم کمتر می شود. در جهان امروز در زمان مواجهه با تراژدی، درد، رنج و زخم های زندگی، یافتن تسلات و تسلا دهنده سخت شده است. مایکل ایگناتیف در کتابش درباره این موضوع می نویسد و به بررسی مفهوم آرامش در طول قرن ها و چگونگی یافتن آن در عصر سکولارتر می پردازد. این کتاب در مورد چگونگی بهبود سلامت روان یا راه نمایی برای مراقبت از خود نیست، بلکه تأملی در ماهیت تسلات است که از طریق مجموعه ای از برتره های هنرمندان، نویسندگان و متفکرانی که بر پرتگاه ناامیدی ایستاده اند و در زمان های سخت به دنبال تسلات بوده اند، بررسی می شود. ایگناتیف در مقدمه اش به یاد می آورد که به ملاقات دوستی می رفت که داغدار مرگ همسرش بود. انگیزه نویسنده این بود که به او آرامش بدهد، اما کلمات برای کاهش رنج دوست اش کافی نبودند، بنابراین اکثر آدر سکوت می نشستند. ایگناتیف می گوید: «برای درک تسلات، باید از لحظاتی شروع کرد که غیر ممکن است.» هدف ایگناتیف از بیان این داستان ها این است که به ما یادآوری کند، ما اولین نسلی نیستیم که با ناامیدی مواجه می شویم و به دنبال راه هایی از طریق آن هستیم. او می پرسد: «ما چه چیزی یاد می گیریم که می توانیم در این دوران تاریکی استفاده کنیم؟»؛ «چیزی بسیار ساده. ما تنها نیستیم و هرگز نبوده ایم.»

معرفی کتاب



در باب تسلات

نویسنده: مایکل ایگناتیف
مترجم: فرزانه طاهری
انتشارات: نشر مرکز

۱۱

جنگیدن را به ارث برده ایم

مسعود شاه حسینی / روزنامه نگار



«تاریخ فشرده جنگ» روایتی است موجز و سریع از جنگ، از دوران نیاکان مسان تا عصر امروز که عصر سلاح های هسته ای است. نویسنده کتاب، روزنامه نگار، مورخ نظامی و افسر بازنشسته نیروی دریایی انگلیس است و با جنگ و مفاهیم آن بیگانه نیست. او حتی به خاطر ویدئوهایش درباره تاریخ جنگ نامزد جایزه اسکار هم شده بود. کتاب به نوعی روایتی اجتماعی از جنگ است. نویسنده جنگ را ویژگی تعیین کننده جامعه انسانی می داند اما هم زمان می گوید، جنگ را آدمیان اختراع نکردند، بلکه به ارث برده اند و از دوران شکار با ما بوده است. در یک کلام «تاریخ فشرده جنگ»، کتابی درباره مطالعه جنگ و روال جنگ است و اینکه چرا می جنگیم. نویسنده با واکاوای جنگ های بزرگ و کوچکی که در طی قرن ها بشر تجربه شان کرده، به صورت موجز اما با قلمی تیزبین و رویکردی پارک جین به این مقوله می پردازد و با طرح بحث هایی درباره تغییرات اقلیمی و اثرات آن بر منابع آبی و تولید غذا و موج فرایند مهاجران، احتمال وقوع جنگ های آینده بر سر این ها را دور نمی بیند.

یکی از موضوعاتی که روایت دایر را جذاب می کند، تاکید او بر وقوع جنگ های بزرگ میان ابرقدرت ها است. او در کتابش استدلال می کند که در سریع قرن اخیر ابرقدرت ها جنگ رو در رو نداشته اند که این بزرگ ترین فرجه طی هزاران سال است. اما از آن سو تا دل تان بخواهد جنگ های نیابتی و حمله به کشورهای کوچک و ضعیف شده داشته ایم. او یکی از این نمونه ها را جنگ روسیه با اوکراین در سال ۲۰۲۱ می داند. در نهایت دایر می گوید، جنگ ابرقدرت ها و جنگی که میلیون ها کشته بر جای بگذارد، نمرده، بلکه صرفاً به خواب رفته و اخیراً هم پهلو پهلو شده است. از نظر دایر، امروزه سلاح ها مخرب تر شده اند و شاید همین دلیلی برای پرهیز از جنگ های غلنی قدرت ها باشد. روی هم رفته، این کتاب برای هر کسی که می خواهد تبارشناسی جنگ ها را بداند و تغییرات دایر، راهبردها، تاکتیک ها و ابزارهای جنگی را تا امروز دنبال کند، کتابی خواندنی است با ترجمه ای روان از سهنند سلطاندوست.

معرفی کتاب



تاریخ فشرده جنگ

نویسنده: گوئین دایر
مترجم: سهنند سلطاندوست
انتشارات: نشر مرکز

۱۲

۱۲ سیاست مشابه در زمانه ای متفاوت

فرزاد نعمتی، روزنامه نگار



جوزف نای، استاد برجسته روابط بین الملل چارچوبی پنج سطحی برای تحلیل روابط بین الملل پیشنهاد داده است که بر اساس آن متغیرهای پنجگانه فردی، نقشی، حکومتی، ملی و بین المللی، سیاست خارجی کشورها را رهبری می کنند. طبق این تحلیل، همانطور که ویژگی های شخصیتی تصمیم گیرندگان و رهبران مهم است، نقش افراد و قرار گرفتن آنها در یک منصب خاص نیز اهمیت دارد. این دو متغیر رابطه معکوس دارند یعنی ممکن است افرادی با شخصیت های متفاوت، وقتی در یک منصب خاص قرار می گیرند، ناچار شوند از اتخاذ تصمیم های مشابه. جز این دو متغیر، البته نوع حکومت و ساختارهای بوروکراتیک و ایدئولوژی های رسمی دولتی نیز در این میان اثرگذارند. با این همه، همین تفاوت های حکومتی، وقتی به واقعیت ویژگی های ملی می رسند، دوباره محدود می شوند. این بدین معناست که حاکمان کشور ایران فارغ از نوع حکومت، ممکن است به واسطه ملاحظات ژئوپولیتیک، ژئوکالچرال، ژئواکونومیک و فرهنگ سیاسی غالب در جامعه، مجبور از اتخاذ سیاست های مشابه شوند. سطح پنجم هم که البته ناظر بر نظم مستقر بین المللی است و نمی توان آن را به هیچ وجه نادیده گرفت.

اینها همه را نوشتیم تا بگویم با خواندن کتاب «شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه» که به روابط ایران با کردهای عراق و شیعیان لبنان در بیست سال انتهایی حکومت پهلوی می پردازد، متوجه می شویم چگونه متغیرهای نقشی و ملی، متغیرهای فردی و حکومتی را تحت تأثیر خود قرار داده و موجب بروز رفتارهایی مشابه در قبال برخی از همسایگان و روندهای موجود در منطقه خاورمیانه شده است؛ چنان که بعضی از سیاست های جمهوری اسلامی در زمینه سرمایه گذاری روی شیعیان لبنان و کردهای عراق مشابهتی با سیاست های پهلوی دوم پیدا می کند و گاه حتی در تداوم آن است. چنین شباهتی البته نباید به صورت مطلق و بدون در نظر گرفتن شرایط متفاوت بین المللی درک شود، اما به هر روی نادیده گرفتن آن نیز خطاست. کتاب البته فراتر از این بحث های نظری، آکنده است از جزئیاتی مهم و جذاب که بسیاری شان را شاید برای اولین بار باشد که مخاطب فارسی زبان بخواند و این نیز بر اهمیت آن می افزاید.

معرفی کتاب



شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه

نویسنده: آرش رئیسی نژاد
مترجم: پریسا فرهادی
انتشارات: نشر نی

تنظیم گری

نیاز به باور یک خبر غیررسمی

درباره زمزمه های آزاد شدن
امتیاز تلویزیون اینترنتی

مسعود شاه حسینی

خبرنگار گروه فرهنگ

در بحبوحه خبرها و تصمیم های عجیب و غریبی که این روزها در کشور بر سر ساترا و محدودیت هایش برای سربال ها، کش و قوس های تمام ناشدنی برای رفع فیلترینگ و مهم ترینش که احتمال تعطیلی روزنامه شهروند و بیکار شدن همکاران مان به گوش می رسد، بیک ماجرای اتفاقی نیز پیش آمده که تا الان کسی تکذیب اش نکرده یا نظری درباره اش نداده، قدمی رو به جلو و مثبت است. ماجرا این است که یکی از فعالان رسانه ای درباره بازدید معاون ساترا از رسانه تصویری «آن» گفت و گو کرده و گفته، سربال «تاسیان» از ساترا مجوز نگرفته است. این کاربرد در توثیق اش نوشته، رسانه «آن» مجوز فعالیت نه از سامانه جامع رسانه های وزارت فرهنگ و ارشاد دارد، نه از ساترا. ساعاتی بعد حساب کاربری این رسانه در توییتر جواب داده، چون زیر مجموعه خبرگزاری مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی است و این خبرگزاری هم مجوز از وزارت ارشاد دارد؛ در نتیجه نیازی به گرفتن مجوز از ساترا ندارد. حالا عده ای این ماجرا روایات آن را به فال نیک گرفته اند و می گویند، با استدلال رسانه «آن» زین پس رسانه های مجوزدار می توانند بدون در سربال ساترا، تلویزیون اینترنتی، پخش زنده و دامنه اینترنتی جداگانه داشته باشند. البته اینکه در ساعات یا روزهای آینده این خوش بینی به یأس و ناامیدی بدل نشود، جای خود و ما نیز امیدواریم چنین نشود، اما اگر چنین شود و دوباره پای تفسیر و گذاشتن بند، تبصره و احراز شرایط و ان قلت های معمول نهادهای ناظر به میان نیاید، اتفاق های بهتری خواهد افتاد. در کشور ما دونهاد مجوز پخش اینترنتی محتوای صوتی و تصویری را تنظیم می کنند و اگر کسی بخواهد مجوز بگیرد، باید سریع این دو نهاد برود. تا گفته پیداست که منظور از «کسی»، شرکت و شخص حقوقی است که حوزه فعالیت اش رسانه یا مرتبط با فناوری اطلاعات باشد. یکی از آن دو سازمان، ساترا می معروف است که خود یکی از معاونت های صداوسیماست و دیگری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. کمیسیون تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی هم سال ۹۳، مقرراتی را تصویب کرده بود که بر مبنای آن گرفتن مجوز تلویزیون اینترنتی منوط به کسب مجوز از وزارت فرهنگ و صداوسیما و ایضاً دریافت از خود این سازمان بود. خود گرفتن این مجوز هم مثل گذراندن هفت خان رستم بود. یعنی متقاضی اول باید می رفت در خواست اش را در سامانه ساترا یا وزارت فرهنگ ثبت می کرد، بعد مدارک و طرح توجیهی اش را عرضه می کرد، در مرحله بعد کارشناسان مدارک و صلاحیت های درخواست کننده را بررسی و تایید می کردند، بعد نوبت به پرداخت هزینه و دادن ضمانت نامه می رسید و تازه اگر همه اینها را پشت سر می گذاشت، برایش مجوز صادر می کردند و فعالیت آزمایشی اش شروع می شد. این فرآیند یک شک زمان بر و طاقت فرساست و به این راحتی ها هم به کسی مجوز نمی دهند. با فرض صحت ادعاهای مطرح شده درباره آزاد شدن انگاری مخاطبان و رسانه های ثبت شده دارای مجوز، از این بندها همه رسانه های ثبت شده دارای مجوز، نیازی نیست جداگانه مجوز پخش اینترنتی بگیرند. واقعیت این است که فضای رسانه های کشور به شدت نیازمند این آزادی امتیاز تلویزیون اینترنتی است. دقیق ترش می شود این که، هر اقدامی ولو غیرارادی و ناخواسته که به کمتر شدن محدوده انحصار و تکصدایی صداوسیما بینجامد، مثبت است. معنای دقیق انحصار، محدودسازی، کنترل گری، سانسور و کشتن و از بین بردن نوآوری و خلاقیت است؛ وضعیت نادیده انگاری مخاطبان و صداهایشان و سوختن کامل و دود شدن اعتبار و نفوذ و مرجعیت رسانه ای. حاصل دهه ها سپردن عنان و اختیار پخش تلویزیونی و اینترنتی به یک نهاد خاص بودجه بگیر و غیرشفاف، محکوم رسانه های جریان اصلی و مستقل ها همین به تیرازهای کم، وابستگی شان به آگهی های یکی در میان دولتی و با هزار منت و التماس، کمبود کاغذ و وانت های آن، افتادن در گوشه رینگ بسترها و پلقرم های فیلتر شده آنلاین و خالی شدن تحریریه ها از خبرنگاران و روزنامه نگاران دغدغه مند و توانا است. از آن سو نیز روشن است با رقابتی شدن فضا، رسانه های شناخته شده و ریشه دار و دارای مخاطب بار فرصت بیشتری خواهند داشت که هم و غم شان را بر محتوای بهتر و جذاب تر و متناسب با سلیقه و نیاز کاربران بگذارند. رفع این ممنوعیت، فضای بازتری برای گفت و گو و تبادل دیدگاه ها و نظرات خلق می شود. ضمن این که از تقویت اقتصاد رسانه ای هم نمی توان گذشت. رسانه های جدید و قالب های نوین پخش، فرصت های شغلی بیشتری ایجاد می کند، سرمایه گذاری در حوزه رسانه و فناوری های مرتبط را افزایش می دهد، زیرساخت های رسانه ای کشور را توسعه می دهد و در یک کلام، به رونق اقتصاد نیم بند رسانه ها کمک می کند. ما نیاز داریم باور کنیم تلویزیون اینترنتی آزاد شده است. کاش خوش خیالی نباشد و کسی تکذیب اش نکند.